

## **Evaluation of the translation of Qur'anic metaphors on the subject of resurrection based on Newmark theory (first half of the Qur'an)**

Ali Zeighami, Hosain Bayat, SayedReza MirAhmadi, Ebrahim RezaPour

### **Abstract**

One of the challenges of translation, especially about Qur'an, is to translate metaphorical phrases. This matter requires special precision and delicacy and is one of the topics that has attracted the attention of theorists such as Peter Newmark. Newmark introduces seven strategies for translating metaphors that can be used to translate metaphorical images into the target language. In the light of Newmark's theory and with a critical analytical method, the present study critiques the methods of translating metaphorical images of doomsday scenes in the Qur'an and while explaining the methods of transmitting metaphorical interpretations, has evaluated the performance of four Persian translations "Makarem Shirazi", "Fooladvand", "Ansarian" and "Garmaroodi" in the first fifteen parts of the Qur'an. this study reviewed the translation of 14 samples out of 21 metaphors related to the Day of Judgment, which was the point of disagreement between the mentioned translators. The results show that all four translators have used the methods proposed in Newmark theory to different proportions. The translation of Makarem Shirazi and Fooladvand is based more on the semantic and literal method and the translation of Ansarian and Garmaroodi is more on the equivalent method and interpretive additions. Although these translators have used less equivalent metaphorical interpretations, Ansarians have used metaphorical equivalents more than others.

**Keywords:** Holy Quran, Translation, Resurrection, Metaphorical Images, Peter Newmark Model.

## ارزیابی ترجمه استعاره‌های قرآن در موضوع قیامت بر اساس نظریه نیومارک (نیمه نخست قرآن)

علی ضیغمی<sup>۱</sup>

حسین بیات<sup>۲</sup>

سیدرضا میراحمدی<sup>۳</sup>

ابراهیم رضاپور<sup>۴</sup>

### چکیده

یکی از چالش‌های ترجمه، مخصوصاً ترجمه قرآن، برگرداندن عبارت‌های استعاری است. این کار، مستلزم دقت و ظرافتی خاص بوده و از جمله موضوعاتی است که توجه نظریه پردازانی چون «پیتر نیومارک» را به خود جلب کرده است. نیومارک، هفت راهبرد را برای ترجمه استعاره معرفی می‌کند که با تکیه بر آن‌ها می‌توان تصاویر استعاری را به زبان مقصد منتقل کرد. پژوهش حاضر در پرتو نظریه نیومارک و با روش تحلیلی انتقادی، به نقد و بررسی شیوه‌های برگردان تصاویر استعاری صحنه‌های قیامت در قرآن پرداخته و ضمن تبیین شیوه‌های انتقال تعابیر استعاری، عملکرد چهار ترجمه فارسی «مکارم شیرازی»، «فولادوند»، «انصاریان» و «گرمارودی»، از پانزده جزء اول قرآن را می‌سنجد. در این پژوهش از ۲۱ مورد استعاره مربوط به قیامت، ترجمه ۱۴ نمونه که محل اختلاف مترجمان مذکور بوده، نقد و بررسی شده و حاصل آن، نشان می‌دهد که هر چهار مترجم از شیوه‌های مطرح شده در نظریه نیومارک به نسبت‌های متفاوتی بهره برده‌اند. ترجمه مکارم شیرازی و فولادوند، بیشتر بر شیوه معنایی و تحت‌اللفظی و ترجمه انصاریان و گرمارودی بیشتر بر شیوه معادل افزوده‌های تفسیری استوار است. اگرچه مترجمان مذکور از تعابیر استعاری معادل، کمتر بهره برده‌اند، در این میان، انصاریان بیشتر از دیگران از معادل استعاری استفاده کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، ترجمه، قیامت، تصاویر استعاری، الگوی پیتر نیومارک.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان. (نویسنده مسئول) zeighami@semnan.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان. d.bayat@semnan.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان. rmirahmadi@semnan.ac.ir

۴. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان. abrahim\_rezapour@semnan.ac.ir

## مقدمه

بی‌شک شناخت مضامین عالی قرآن در ابتدا از طریق آشنایی با معانی و مفاهیم واژه‌ها صورت می‌پذیرد. قرآن کریم دارای عرف زبانی خاص خود است و شناخت مفاهیم زیبای آن مستلزم شناختی فراگیر از انواع صنایع بلاغی و بیانی است که بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان به مفاهیم اصطلاحات قرآنی دست یافت.

ترجمه قرآن که از پیشینه‌ای طولانی برخوردار بوده و یکی از راه‌های انتقال معانی آن برای غیر عرب‌زبان‌ها است، باید با ظرافت و دقت خاصی انجام شود تا کوچک‌ترین اشتباهی باعث کج‌فهمی از این کتاب مقدس نشود؛ بنابراین با وجود صنایع ادبی و از جمله استعاره، حساسیت و ظرافت کار دوچندان می‌شود. این امر ایجاب می‌کند که مترجم از همه علوم و فنون و نظریات ترجمه آگاهی یابد تا در ترجمه کلام وحی از لغزش مصون بماند. بدین منظور آگاهی از معانی مختلف نهفته در زبان مبدأ برای انتقال به زبان مقصد مستلزم توجه به روش‌های ارائه غیرمستقیم پیام، الگوهای معنایی و ادبی و... است.

امروزه با گسترش زبان‌شناسی، استعاره، به‌عنوان فرایندی ذهنی زبانی و نیز ابزاری برای تفکر، درک و شناخت مفاهیم انتزاعی، مورد توجه زبان‌شناسان، به‌ویژه زبان‌شناسان شناختی، قرار گرفته است. آن‌ها معتقدند زبان، وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی انسان بوده و استعاره، پدیده‌ای شناختی است و تلاش کرده‌اند، نظریه‌ها و مبانی علمی و سودمندی برای ترجمه آن ارائه کنند که در این میان راهکارهای «پیتر نیومارک»<sup>۱</sup> بسیار مورد توجه و نقد و بررسی قرار گرفته است.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت: در زمینه سابقه ترجمه تعابیر استعاری و اهمیت آن در قرآن، تاکنون پژوهش‌های پُرشمار صورت گرفته، به‌طوری که سابقه مطالعه ترجمه استعاره، به قرن‌ها پیش برمی‌گردد و می‌توان رگه‌هایی از آن را در کتاب أسرار البلاغة عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ق) یافت. این موضوع مورد توجه پژوهشگران معاصر نیز قرار گرفته است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

1. Peter Newmark.

۱. مقاله «سبک ترجمه استعارات فولادوند و حلبی بر اساس راهکارهای ترجمه استعاره نیومارک»، به قلم حسین گلی و سجاد احمدی (۱۳۹۸)، چاپ شده در دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، که در آن به مقایسه سبک دو مترجم در جزء اول، به صورت پراکنده و بدون ذکر ترجمه پیشنهادی پرداخته شده است؛
۲. مقاله «ارزیابی و نقد ترجمه استعاره در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن»، نوشته سیدسجاد غلامی و علی حاجی خانی (۱۳۹۶)، چاپ شده در فصلنامه سراج منیر، که در آن به ارزیابی ترجمه ۱۰ مترجم معاصر با ذکر استعاره‌هایی پراکنده، بدون موضوع خاصی در کل قرآن پرداخته شده است (بدیهی است، ارزیابی ۱۰ ترجمه و آن‌هم در کل قرآن، در قالب یک مقاله نمی‌تواند نتیجه‌ای دقیق و استنباط‌پذیر داشته باشد)؛
۳. مقاله «دشواری ترجمه استعاره با تأکید بر شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه طبری»، نوشته علیرضا باقر (۱۳۹۱)، که در مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، منتشر شده و نویسنده در آن، برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه طبری را نقد و بررسی کرده است؛
۴. مقاله «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرآیند ترجمه»، نوشته رضا امامی و سیرا شادمان (۱۳۹۱)، که در مجله مطالعات قرآن و حدیث، منتشر شده و در آن، شیوه‌های ترجمه استعاره‌های قرآنی ارزیابی شده است؛
۵. مقاله «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن»، نوشته یعقوب جعفری (۱۳۹۲)، که در مجله ترجمان وحی به چاپ رسیده و نویسنده در آن با بررسی مفهوم و انواع استعاره، به بررسی چگونگی ترجمه استعاره در دو شیوه «تحت‌اللفظی» و «معنایی» پرداخته و در پایان، شماری از ترجمه‌های قرآن را بر اساس شیوه دوم بررسی کرده است؛
۶. مقاله «روش‌شناسی برگردان تصویرهای صحنه‌های قیامت در قرآن»، از سیدمهدی مسبوق (۱۳۹۶)، که در فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی قرآنی دانشگاه اراک به چاپ رسیده و در آن نمونه‌هایی از استعاره‌های قیامت، فقط در دو جزء پایانی قرآن در چند ترجمه، غیر از مترجمان موردنظر این مقاله، بررسی شده است؛
۷. کتاب ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم از بهاء‌الدین خرمشاهی که ضمن بررسی

ترجمه‌های معاصر قرآن، نیم‌نگاهی به برخی استعاره‌های قرآنی داشته است.

آنچه در این پژوهش‌ها آمده، بررسی کلی عبارت‌های استعاری در موضوعات و زمینه‌هایی متفاوت و بر اساس الگوهایی است که با آنچه نویسنده این مقاله در پی آن است، فرق دارد؛ در زمینه آنچه مقاله حاضر درصدد تبیین آن است، یعنی نقدی بر ترجمه استعاره‌های نیمه اول قرآن در موضوع قیامت، بر اساس الگوی نیومارک و آن‌هم ارزیابی چهار ترجمه مشهور، تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر بر آن است تا با بررسی راهکارها و شیوه‌های ترجمه صحیح عبارات و الفاظ استعاری، زمینه را برای تشخیص صحیح ترجمه ایدئال فراهم سازد و روشی مناسب برای ایجاد تناسب بین زبان مبدأ و مقصد ارائه نماید.

در این مقاله سعی شده تا ابتدا الفاظ و عبارات استعاری مرتبط با صحنه‌های قیامت در قرآن بررسی شود و آنگاه به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

۱. شیوه‌های مطرح شده در الگوی نیومارک تا چه میزان مورد توجه مترجمان تصاویر قیامت، قرار گرفته است؟

۲. بر اساس الگوی نیومارک، کدام یک از مترجمان توانسته استعاره‌های مربوط به قیامت را بهتر و دقیق‌تر ترجمه نماید؟

۳. مترجمان مدنظر این مقاله، برای رسیدن به ترجمه‌ای متعادل، طبق الگوی نیومارک، با چه مشکلاتی مواجه بوده‌اند؟

این پژوهش در پی آن است تا با روش تحلیلی انتقادی و از طریق بررسی لایه‌های معنایی عبارت‌های استعاری و شیوه‌های ترجمه آن، به سؤالات بالا پاسخ دهد و ضمن تبیین شیوه‌های انتقال تعبیر استعاری، به نقد و بررسی ترجمه تصاویر استعاری صحنه‌های قیامت پرداخته و با مطالعه‌ای تطبیقی، عملکرد چهار ترجمه فارسی «مکارم شیرازی»، «فولادوند»، «انصاریان» و «گرمارودی»، در آیات پانزده جزء اول قرآن را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

معنمداری، پُر کاربرد بودن، تنوع روش و شهرت، ملاک انتخاب این چهار ترجمه است و همچنین کل استعاره‌های موجود در موضوع قیامت در نیمه اول قرآن، ۲۱ مورد است که

۱۴ مورد آن از لحاظ ترجمه، نقدپذیر بوده و مابقی در ترجمه مترجمان مذکور، شبیه به هم و صحیح است و از آوردن آن‌ها خودداری کرده‌ایم.

### ۱- کارکرد استعاره در ادبیات

یکی از زیباترین جلوه‌های بلاغت کلام و متکلم، شیوه‌های غیرمستقیم بیان و ابزارهای خیال‌انگیز کردن کلام، «استعاره» است. استعاره در توسعه دایره کلام و بهره‌مندی از امکانات زبانی، نقش فراوانی دارد؛ به طوری که گوینده امکان می‌یابد با اصطلاحات و عبارات متعارف، عبارات نو و مبتکرانه‌ای خلق نماید که تأثیر فراوانی بر مخاطب دارد.

افزون بر توان تأثیرگذاری بسیار بالای آن، باید گفت: استعاره شاعرانه‌ترین صنعت بیانی در شعر محسوب می‌شود و دقیقاً زبان تخیل به شمار می‌آید؛ زیرا به جای مقایسه دو چیز، امتزاجی تخیلی از صورتی است که قبلاً در ذهن شاعر شکل گرفته است. (ابودیب، ۱۳۸۴: ۲۱۷) علاوه بر این‌ها، تأکید و تلطیف در معنا نیز از فواید استعاره است. جرجانی در این باره می‌گوید: «تأثیر استعاره در ذات معنی و حقیقت آن نیست؛ بلکه در تأکید و تشدید و قوت اثبات صفت ادعا شده برای مشبه است. در مثال «رأیت أسداً» فایده در تشبیه انسانی به شیر نیست؛ بلکه فایده در تأکید صفت مورد نظر (شجاعت و جرأت) در وجود مشبه است.» (جرجانی، ۱۹۸۴: ۷۱)

همچنین در باب قدرت انسجام‌بخشی استعاره، «ریچاردز»<sup>۱</sup> اعتقاد دارد که استعاره ابزاری است که به واسطه آن، اشیای متغایر و ناپیوسته، به یکدیگر پیوند می‌یابند. در واقع استعاره نوعی ائتلاف، بین «مشبه» و «مشبه‌به» ایجاد می‌کند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۱۳) از دیگر جنبه‌های بلاغت استعاره، گسترش دنیای واژگان و دامنه معناست؛ بدین معنا که اطلاق نام‌های جدیدی به پدیده‌ها از طریق استعاره موجب تنوع، تعدد و گسترش حوزه استفاده از زبان می‌شود. به طور خلاصه، استعاره مشتمل بر فوایدی همچون ایجاز و اختصار کلام و برجسته و بزرگ کردن زیبایی‌ها و زشتی‌هاست. (فاضلی، ۱۳۷۶: ۲۶۶)

1. Richards.

## ۲- شیوه‌های معادل‌یابی نیومارک و ترجمه عبارات و الفاظ استعاری

از آنجا که صنعت استعاره به‌عنوان یکی از اقسام مجاز، نقش بی‌بدیلی در معنا ایفا می‌کند، معنای حاصل از کاربرد این صنعت و شیوه‌های انتقال این نوع معنا در ترجمه، حائز اهمیت است؛ چرا که «ترفندهای متنی، یعنی چگونگی ارائه فرایند سخن به مخاطب، در فرایندهای ادراکی پیام مربوطه تأثیر می‌گذارد و میزان قابلیت درک و درجه به‌خاطرماندن پیام و نیز امکان به‌خاطر آوردن آن را در زمان‌های بعد افزایش می‌دهد؛ بنابراین الگوهای ادبی (مانند استعاره) و یادگیر روش‌های ارائه غیرمستقیم پیام که در الگوهای معنایی و صناعات ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرند، همگی جزء ترفنندهای متنی محسوب می‌شوند». (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۴۹)

بنابراین در میان پژوهشگرانی که ترجمه استعاره را بررسی کرده‌اند، می‌توان به سه جریان متمایز اشاره کرد: جریان نخست، ترجمه‌پذیر بودن استعاره را انکار نموده و قائل به این است که اساساً نمی‌توان تعابیر استعاری زبانی را به زبان دیگر منتقل کرد؛ داگوت<sup>۱</sup> از پیشگامان این جریان است. (ر.ک. بوتشاشه، ۲۰۰۴: ۷۵) جریان دوم که میسون<sup>۲</sup> از برجسته‌ترین نمایندگان آن است، بر این باورند که مشکلات ترجمه استعاره اصولاً چیزی فراتر از مسائل کلی ترجمه نیست؛ بنابراین نباید به شکل جداگانه بررسی شود. جریان سوم، افزون بر اینکه استعاره را ترجمه‌پذیر می‌داند، اعتقاد دارد که باید به صورت ویژه برای آن نظریه‌پردازی کرد. (میسون، ۱۹۸۲: ۱۴۱)

اما نماینده جریان سوم که آرای او، زیرساخت مباحث این نوشتار را تشکیل می‌دهد، پتر نیومارک، مترجم انگلیسی است که راهبردهای ویژه‌ای برای ترجمه استعاره پیشنهاد کرده است. او با نگرشی خوش‌بینانه، می‌گوید: این‌طور نیست که زبان‌ها دارای نظام مفهومی کاملاً متفاوت و غیرقابل فهم و یادگیری باشند، به همین دلیل می‌توان با ارائه راهکارهایی مناسب، برای برقراری توازن بین زبان‌ها، از منظر انتقال مفاهیم مجازی، به‌ویژه استعاره‌ها، سعی کرد؛

1. Dagut.
2. Mason.

بنابراین، وی هفت روش را برای ترجمه استعاره مطرح کرده که به آن اشاره می‌شود:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی استعاره: انتقال عینی استعاره از زبان مبدأ به زبان مقصد، به شرطی که استعاره موردنظر در میان صاحبان زبان مقصد، مألوف و شناخته‌شده باشد.
  ۲. جایگزینی استعاره زبان مبدأ با استعاره‌های معادل و برابر: جایگزینی استعاره در زبان مقصد با استعاره‌های معیار و استاندارد که همان معنای استعاره زبان مبدأ را در زبان مقصد بیان می‌نماید.
  ۳. ترجمه استعاره به تشبیه: اشاره به لفظ مشبه (مستعار له) یا مشبه‌به (مستعار منه) که در کلام حذف شده، جهت واضح‌شدن معنی؛ مانند: «تاریکی‌های گمراهی» در ترجمه «الظلمات» و «روشنایی هدایت» در ترجمه «النور».
  ۴. ترجمه استعاره به تشبیه با افزوده‌های تفسیری: این روش زمانی مناسب است که استعاره دارای پیچیدگی و غموض باشد و مترجم احساس کند برای اغلب خوانندگان، فهمیدنی نیست.
  ۵. ترجمه استعاره به معنای آن: در این روش، تنها پیام نهایی استعاره بیان می‌شود.
  ۶. حذف استعاره و عدم ترجمه آن: حذف استعاره به معنای عدم ترجمه آن در زبان مقصد است و آن زمانی است که استعاره، زائد و غیر مفید باشد؛ بیان معنا و مقصود استعاره در ضمن کلام و یا موضع دیگری از متن، می‌تواند توجه‌کننده حذف استعاره در فرایند ترجمه باشد.
  ۷. ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری: انتقال استعاره به همان صورت اصلی آن همراه با افزوده‌های تفسیری با هدف ایضاح و روشنی‌بخشی به سخن و دفع ابهامات و پیچیدگی‌های احتمالی؛ بنابراین، مترجم با هدف اطمینان از فهم‌پذیر بودن استعاره در زبان مقصد، از توضیحات و افزوده‌های تفسیری استفاده می‌کند. (Newmark, 1988: 88)
- راهکارهای ارائه‌شده از سوی نیومارک، هرچند تمام روش‌های احتمالی را در بر گرفته، اما نقایصی نیز به همراه دارد که به چند نمونه اشاره می‌شود:
۱. در مورد راهکار ششم که سخن از حذف استعاره به میان آمده، کاربست آن از ارزش



بلاغی و هنری متن مبدأ می‌کاهد و در فرایند ترجمه قرآن و به‌طور کلی هر متن معتبر و حساس دیگری، جایی ندارد.

۲. روش ترجمه استعاره به استعاره‌های معادل و برابر در زبان مقصد، زمانی مقبول است که استعاره انتخاب‌شده در زبان مقصد کاملاً و از تمام جهات با استعاره زبان مبدأ یکسان باشد که دستیابی به چنین معادلی بسیار سخت و ناممکن است و هیچ تضمینی نیست که از نظر ارتباطی و تأثیر بر مخاطب، با استعاره‌های متن اصلی برابری کند.

۳. در روش سوم (ترجمه استعاره به تشبیه) اگر استعاره به غیر استعاره ترجمه شود، برابری و تعادل میان متن ترجمه‌شده و متن اصلی، از نظر میزان تأثیر و ارزش ارتباطی و همین‌طور سبک و اسلوب سخن، از بین می‌رود؛ چرا که «لازم است کیفیت‌های متن مبدأ حفظ شوند، یعنی محتوا و سبک و ویژه هر متن، موازین ادبی حاکم بر آن و ویژگی‌های زیباشناختی متن اصلی تا حد امکان در ترجمه، حفظ و نمود یابد». (حدادی، ۱۳۸۴: ۳۳)

۴. از میان دو روش تحت‌اللفظی و معنایی، به نظر می‌رسد که روش تحت‌اللفظی در ترجمه استعاره‌های قرآنی کارآمدتر باشد؛ چون مترجم می‌بایست به ویژگی‌های مربوط به الگوهای ادبی زبان مبدأ و شرایط حاکم بر این الگوها (میزان خلاقیت و ابدیت، تأثیر ادراکی و القایی و میزان غیرمستقیم بودن پیام) توجه کرده و در ترجمه خود منعکس کند. همچنین در این روش، مترجم می‌کوشد از هرگونه افزایش و یا کاهش در ترجمه بپرهیزد، تا بتواند سبک و شیوه بیان نویسنده را حفظ نماید و تأثیری کم‌وبیش نظیر آنچه نویسنده مبدأ در خواننده متن مبدأ به وجود آورده را در خواننده متن مقصد برانگیزد. در این شیوه ترجمه، عناصر فرهنگی متن مبدأ نیز عیناً حفظ می‌شود. (فرحزاد، ۱۳۸۷: ۲۸)

برای رفع مشکل نامأنوس بودن ترجمه به این شیوه نیز می‌توان در مواقع لازم و بسته به قربت یا غرابت استعاره مبدأ در زبان مقصد، از افزوده‌های تفسیری و یا معنا و پیام نهایی استعاره (علاوه بر ترجمه تحت‌اللفظی آن) استفاده کرد؛ اما آنچه لازم است در به‌کارگیری افزوده‌های تفسیری یا معنای استعاره لحاظ شود، عدم دخالت آن‌ها در متن ترجمه است. (امانی، ۱۳۹۱: ۱۴۹)

### ۳- بلاغت استعاره‌های صحنه‌های قیامت در قرآن

بلاغت، مسئله‌ای فطری است؛ یعنی انسان از هر پدیده خوب، زیبا و متناسب، خشنود شده و به سوی آن جذب می‌شود. ارسطو نخستین کسی بود که درباره رمز زیبایی و فلسفه تأثیر استعاره به تحقیق پرداخت. او در بیان جایگاه استعاره چنین می‌گوید: «آنچه در بیشتر عبارت‌های بلاغی، انگیزه مسرت است، منشأ آن استعاره است و مقداری الهام و پیچیدگی که مخاطب بعداً آن را درمی‌یابد؛ زیرا در آغاز چنان می‌پندارد که چیز تازه‌ای را دریافته و احساس می‌کند که موضوع سخن با آنچه انتظار آن را داشت، اختلاف بسیار دارد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۱۱)

از زیباترین هنرهای قرآن، استفاده از استعاره‌های پرمغز و محتوا در مورد قیامت و صحنه‌های آن است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: وصف سرنوشت منکران معاد، منحرفان دین خدا و فریب‌خوردگان دنیا، مجازات رشوه‌خواران و کسانی که از انفاق خودداری می‌کنند، توصیف چهره گناهکاران در هنگام سكرات مرگ و حالات وحشتناک آن‌ها در آخرت با انواع عذاب که حتی چگونگی دربرگرفتنشان با آتش قهر الهی در قالب استعاره بیان شده است.

کاربرد استعاره در آیات مربوط به قیامت را می‌توان از دو جهت، بسیار مهم تلقی کرد: اول اینکه استفاده از استعاره‌ها نشان‌دهنده مهارت، زیبایی و بی‌بدیل بودن کلام خالق در توصیف قیامت و صحنه‌های آن از جمله حالات و سرنوشت انسان‌های خوب و بد است؛ دوم دعوت به تفکر، تعقل و تأمل در مورد سرنوشتی است که دیر یا زود، برای هر انسانی قطعاً اتفاق خواهد افتاد.

اکنون با توجه به استدلال‌های بالا و با عنایت به روش‌های ترجمه استعاره از سوی زبان‌شناسانی چون گرایس<sup>۱</sup> و پیترو نیومارک در زمینه انتقال معنای این صنعت، به ارائه تصاویر استعاره‌های صحنه‌های قیامت در پانزده جزء اول از قرآن می‌پردازیم و عملکرد مترجمان را در این باره می‌سنجیم.

1. Grice.

## ۴- معنای استعاری صحنه‌های قیامت و معادل‌یابی آن

### ۴-۱- آیه ۳۱ سوره انعام

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ﴾

در این آیه شریفه، قرآن از سرنوشت افرادی می‌گوید که ملاقات و عقاب خداوند را منکر شده‌اند و همین که روز قیامت، به‌طور ناگهانی، فرا رسید، با دیدن آن روز هول‌انگیز و تفاوت اهل ثواب و اهل عقاب، حسرت می‌خورند که جزء زیان‌کاران‌اند و این در حالی است که بار گناهان را به دوش می‌کشند.

در اینجا دو مورد استعاره «تمثیلیه» به کار رفته است: در این آیه، «بعث» و ملاقات ثواب و عقاب خداوند، ملاقات خدا نامیده شده که این به کارگیری مجازی است و نیز استفاده از حمل بارهای سنگین، به‌جای گناهان بر دوش منکران بعث، استفاده مجازی دیگری است؛ در کتاب الجدول صراحتاً به این دو استعاره اشاره شده است. (صافی، ۱۴۱۸: ۱۲۶/۷)

در مورد استعاره دوم (لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ) در کتاب قاموس قرآن آمده: «وِزْر» (بر وزن جسر) به‌معنای ثقل و سنگینی است و اشتقاق آن از وزر (بر وزن فرس) است. راغب گفته: وزر به‌معنای سنگینی است؛ به علت تشبیه به کوه. (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۲۰۵/۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴) در قرآن مجید نیز هریک به‌جای دیگری آمده است؛ مثل ﴿لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (نحل، ۲۵) و ﴿وَلِيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ﴾. (عنکبوت، ۱۳)

ناگفته نماند که «وزر» به‌صورت مصدر و اسم، هر دو، آمده (سنگینی، سنگین یعنی بار) و اغلب در گناه به کار رفته که بار سنگینی به گردن گناهکار است؛ ولی در غیر گناه نیز آمده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۴/۷) در کتب متعددی، از جمله ترجمه تفسیر کاشف، التبیان فی تفسیر غریب القرآن و عیون التفاسیر، آمده که مراد از «وِزْر» در اینجا گناه است؛ مثل آیه ﴿أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ﴾. (نحل، ۲۵) (چقدر زشت است گناهی که آنان مرتکب می‌شوند) (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۸۰/۳) صاحب تفسیر اثنی عشری نیز تعبیر زیبا و قابل قبولی از حمل «اوزار» در کتاب خود دارد و می‌گوید: «مراد آن است که گناهان، ملازم آن‌هاست و منفک نشود؛ پس این

تمثیلی است برای اینکه آن‌ها استحقاق سنگینی گناه را دارند و حمل «اوزار» بر ظهور، بر وجه تشبیه و توسع است؛ یعنی گناه مانند بار سنگین از شدت تحمل رنج عظیم به حامل آن رسد.» (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۵۳/۳)

حال با توجه به مطالب بالا، ترجمه‌های آیه مذکور را بررسی و اصلاح می‌کنیم:

مکارم: «آن‌ها که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلماً زیان دیدند، [و این تکذیب، ادامه می‌یابد] تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید؛ می‌گویند: «ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم!» و آن‌ها [بار سنگین] گناهانشان را بر دوش می‌کشند؛ چه بد باری بر دوش خواهند داشت!»

فولادوند: «کسانی که لقای الهی را دروغ انگاشتند... و آنان بار سنگین گناهانشان را به دوش می‌کشند...»

انصاریان: «آنان که دیدار [پاداش و مقام قرب] ما را تکذیب کردند... و آنان بار سنگین گناهانشان را بر دوش می‌کشند...»

گرمارودی: «کسانی که لقای خداوند را دروغ شمردند... در حالی که بارهای سنگین [گناهان] خود را بر دوش می‌کشند...»

با توجه به توضیحات بالا از کتب مختلف تفسیر و لغت درباره استعاره‌های به کاررفته در آیه موردنظر، به این نتیجه می‌رسیم که در مورد استعاره اول، همه مفسران بر یک معنا (بعث یا رستاخیز) تأکید دارند، ولی در مورد استعاره دوم، اگرچه کتب لغت، «وزر» را به ثقل و سنگینی ترجمه کرده‌اند، ولی بیشتر مفسران تأکید بر این دارند که این لغت دلالت بر گناه دارد؛ هر چند در ترجمه‌ها سعی بر آن شده که این استعاره، به صورت تشبیه، ترجمه شود که این خود یکی از روش‌های نیومارک است، اما همه مترجمان در این راهکار موفق نبوده‌اند؛ البته مکارم و گرمارودی در قالب پراتر به این راهکار اشاره کرده‌اند، اما فولادوند و انصاریان، دقیق ترجمه کرده‌اند. لازم به ذکر است که در اینجا، استعاره با مضمون کنایه به کاررفته که در تشخیص و ترجمه آن ظرافت خاصی نهفته است؛ بنابراین ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

کسانی که لقای الهی [رستاخیز] را دروغ انگاشتند، قطعاً زیان دیدند؛ تا آنگاه که قیامت به ناگاه فرا رسد، آنگاه خواهند گفت: «ای دریغ بر ما، بر آنچه درباره آن کوتاهی کردیم.» و آنان بار سنگین گناهانشان را به دوش می کشند و چه بد باری بر دوش خواهند داشت.

#### ۴-۲- آیه ۴۵ سوره اعراف

﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾

در این آیه استعاره در تعبیر «سَبِيلِ اللَّهِ» و «يَبْغُونَهَا عِوَجًا» است. به نظر می آید که «يَبْغُونَهَا عِوَجًا» بیان «يَصُدُّونَ» است؛ یعنی کسانی با ایجاد شبهات و ایجاد انحراف در دین خدا، مردم را از آن منع می کنند و آن را ناحق جلوه می دهند. در کتاب مجمع آمده است: «جایز است «عِوَجًا» مفعول به «یبعون» باشد؛ یعنی «يَبْغُونَ لَهَا الْعِوَجَ» (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۶۵/۵) در تلمیح الیابان آمده: «در این آیه منظور از «سَبِيلِ اللَّهِ»، دین خداست و منظور از «ویبعونها عوجا»، القای شبهات و وهمیات در دین خداست که آن را سست نشان می دهد.» (الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق: ۱۴۶) در کتاب جوامع الجامع نیز با تکرار این معنی آمده است: «يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ» منظور این است که خود یا دیگران را از دین خدا بازمی دارند. وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا: و با ایجاد شک و تردید و شبهه‌هایی که گمان می کنند در راه خدا عیبی به وجود می آورند، برای راه راست خداوند یک مسیر انحرافی می جویند.» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۸/۱) نویسنده کتاب الإیتقان فی علوم القرآن در اثبات معنای بالا می گوید: «وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا» استعاره محسوس برای معقول است و جامع عقلی است.» (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۱/۲)

حال بعد از ذکر توضیحات و مستندات بالا، ترجمه‌ها را بیان و بررسی می کنیم:  
مکارم: «همان‌ها که [مردم را] از راه خدا بازمی دارند و [با القای شبهات] می خواهند آن را کج و معوج نشان دهند؛ و آن‌ها به آخرت کافرند!»

فولادوند: «همانان که [مردم را] از راه خدا باز می دارند و آن را کج می خواهند...»

انصاریان: «همانان که مردم را همواره از راه خدا بازمی دارند و می خواهند آن را [یا وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند...»

گرمارودی: «همان کسانی که [مردم را] از راه خداوند باز می دارند و آن را ناراست [و

با دقت در ترجمه‌ها و بررسی نکات تفسیری بالا بر اساس الگوی نیومارک درمی‌یابیم که همه مترجمان، استعاره اول را تحت‌اللفظی و بدون افزوده، ترجمه کرده‌اند. در استعاره دوم نیز فولادوند و گرمارودی بدین روش ترجمه کرده‌اند؛ اما مکارم در قالب پرائنتر آن را معنا کرده است. در حالی که افزوده در ترجمه انصاریان با هیچ کدام از مفسران سازگاری ندارد؛ بنابراین در این آیه لازم است از راهکار چهارم نیومارک (ترجمه استعاره با افزوده تفسیری) استفاده شود. با این تفصیل و کشف ظرافت‌های موجود، ترجمه دقیق زیر پیشنهاد می‌شود:

همان کسانی که [مردم را] از راه [دین] خداوند باز می‌دارند و [با القای شبهات] می‌خواهند آن را ناراست نشان دهند و به جهان واپسین انکار می‌ورزند.

#### ۴-۳- آیه ۳۴ سوره توبه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾  
 در این آیه شریفه، معنای ضمنی، در «لَيَأْكُلُونَ» و تعبیر «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» نهفته است. در کتاب الجدول برای استعاره اول آمده: «در اینجا «أكل: خوردن» به جای «أخذ: گرفتن» استعاره آورده شده است که می‌توان آن را مجاز مرسل به علاقه ملزومیه یا معلولیه دانست؛ چراکه خوردن، ملزوم گرفتن است و این همان منظوری است که زمخشری در الکشاف ذیل مفهوم این آیه آورده است؛ یعنی دانشمندان آن‌ها اهل گرفتن رشوه بودند.» (صافی، ۱۴۱۸: ۳۲۹/۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۶۶/۲) نویسنده کتاب عیون التفسیر نیز نزدیک به مضمون زمخشری می‌گوید: «لَيَأْكُلُونَ، یعنی «لَيَأْخُذُونَ». علمای یهود و زهاد نصاری اموال مردم را به‌عنوان رشوه در قضاوت و صدور احکام دین می‌گرفتند و مردم را از دین خدا بازمی‌داشتند.» (سیواسی، ۱۴۲۷: ۱۳۶/۲)

مورد دوم استعاره در این آیه در تعبیر «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» است. استفاده از بشارت در مقام انذار، به جهت اهانت و تویخ است؛ چنان‌که در عرف برای ترساندن کسی از شخص

دیگر، گویند: «تحت او، زدن» و «اکرام او، فحش» است. در موقع تنبیه هم گویند: «غذایی برای او مهیا شده که یک وجب روغن دارد.» بشارت نیز عبارت است از خبری که مؤثر در قلب باشد و به سبب آن، صورت شخص تغییر کند و این ممکن است به واسطه فرح باشد یا به سبب غم. این واژه در زبان فارسی معادل‌هایی چون نوید، مژده و مژدگانی، دارد. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۷۶/۵) «در این آیه (بَشْرُهُمْ = اندرهم: بیم بده) «بشارت» که خبر شادی آور است برای «انذار» که ضد آن است، استعاره آورده شده، به سبب داخل کردن «انذار» در جنس «بشارت» به شیوه تهکم و استهزا؛ یعنی به عذاب دردناک در جهنم خبر بده.» (صابونی، ۱۴۲۱: ۱/۴۹۷؛ الهاشمی بک، ۱۳۷۳: ۲/۱۷۴)

اکنون به بررسی ترجمه‌ها می‌پردازیم:

مکارم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان [اهل کتاب] و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و [آنان را] از راه خدا بازمی‌دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه [و ذخیره و پنهان] می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!»

فولادوند: «...اموال مردم را به ناروا می‌خورند... ایشان را از عذابی دردناک خبر ده.»  
انصاریان: «...اموال مردم را به باطل [و به صورتی نامشروع] می‌خورند... به عذاب دردناکی مژده ده.»

گرمارودی: «...دارایی‌های مردم را به نادرستی می‌خورند... به عذابی دردناک نوید ده!»  
با دقت در تفاسیر و کتب لغت درمی‌یابیم که همه مترجمان بالا، هرچند ناخودآگاه، در مورد استعاره اول، ترجمه‌ای مطابق با راهکار اول نیومارک (تحت اللفظی) ارائه داده‌اند؛ در حالی که با توجه به نظر مفسران و سیاق آیه بهتر است در اینجا از افزوده تفسیری استفاده شود. در مورد استعاره دوم نیز همه مترجمان غیر از فولادوند، به نوعی به استهزا در آیه اشاره کرده‌اند و فولادوند نیز با ترجمه‌ای تحت اللفظی و غیردقیق، استعاره موجود در آیه را در ترجمه منعکس نکرده است. البته انصاریان و گرمارودی دقیق‌تر از بقیه، استعاره موجود را به فارسی روان ترجمه کرده‌اند؛ اما مکارم همچنان در فضای ترجمه تحت اللفظی مانده، چرا که

معادل فارسی استعاره را بیان نکرده است. در این موارد مترجم باید بتواند استعزای موجود در آیه را به نحوی از طریق ترجمه‌ای دقیق (استفاده از راهکاری مناسب) به مخاطب بفهماند؛ بنابراین ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند [و می‌گیرند] و [آنان را] از راه [دین] خدا باز می‌دارند؛ کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذاب در دناک مزدگانی ده. چنین استعاره‌هایی در قرآن از بسامد فراوانی برخوردار است که در این مقاله به شواهد انتقادپذیری اشاره می‌کنیم.

#### ۴-۴- آیه ۲۷ سوره یونس

﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾

در این آیه، استعاره زیبایی به کار رفته است. در اینجا سیاهی چهره گناهکاران از شدت حزن و اندوه به ظلمت شب، شبیه شده است. سید رضی پیرامون این آیه معتقد است:

«اینکه خداوند روز را بینا فرموده است، کنایه از روشنایی است و اینکه شب نابینا است، کنایه از تاریکی است. صفت یک چیز از سر مبالغه به دلیل چیزی است که علت آن است، همان گونه که می‌گویند: شب نابینا است؛ زیرا مردم به دلیل شدت تاریکی آن چیزی را نمی‌بینند... در این آیه استعاره عجیبی است، چراکه در حقیقت شب با داشتن قطعه‌های متفرقه و اجزای مختلف توصیف نمی‌شود و مراد این است که اگر برای شب قسمت یا قطعه‌ای در نظر بگیریم، سیاهی چهره آن‌ها به این قطعه‌ها و قسمت‌ها شبیه‌تر است.» (الشریف الرضی، ۱۴۰۶: ۱۵۵)

علامه طباطبایی در توجیه این استعاره می‌گوید: «کلمه «قَطَع» جمع «قطعه» است و کلمه «مظلم» از کلمه «لیل» است و گویا می‌خواهد بفرماید: شب ظلمانی، تکه‌تکه شده و یکی پس از دیگری به روی چهره آن‌ها افتاده و در نتیجه چهره‌های آنان سیاه شده است و متبادر از



این تعبیر این است که خواسته بفرماید: هر یک از این تکه‌ها بر روی یکی از مشرکین افتاده است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۴/۱۰)

طبرسی نیز در این باره آورده: «به خاطر گناه گویا چهره‌هایشان را شب سیاه فرا گرفته و منظور، توصیف سیاهی چهره‌هایشان است و مشابه این آیه، خدای تعالی در جای دیگر می‌فرمود: ﴿تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ﴾ (زمر، ۶۰) روز رستاخیز کسانی را که بر خدا دروغ گفته‌اند ببینی که چهره‌هایشان سیاه گشته است.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۸۶/۱۱) مرحوم گنابادی در تفسیر این آیه اظهار می‌دارد: «از شدت حزن و اندوه چهره آنان تاریک است؛ یعنی از نهایت حزن و اندوه و شدت درد و رنج، هاله‌ای از تاریکی صورت آن‌ها را فرا گرفته است.» (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳۴۸/۶)

اکنون به ترجمه‌های مورد نظر، می‌پردازیم:

مکارم: «اما کسانی که مرتکب گناهان شدند، جزای بدی به مقدار آن دارند؛ و ذلت و خواری، چهره آنان را می‌پوشاند؛ و هیچ چیز نمی‌تواند آن‌ها را از [مجازات] خدا ننگه دارد! [چهره‌هایشان آن‌چنان تاریک است که] گویی با پاره‌هایی از شب تاریک، صورت آن‌ها پوشیده شده! آن‌ها اهل دوزخ‌اند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند!»

فولادوند: «... گویی چهره‌هایشان با پاره‌ای از شب تار پوشیده شده است...»

انصاریان: «... گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شب تاریک پوشیده شده...»

گرمارودی: «... گویی چهره‌های آنان را با پاره‌هایی از شب تاریک پوشانده‌اند...»

با دقت در نظر مفسران به این نتیجه می‌رسیم که نظر اغلبشان این است که به دلیل گناه و ترس و اندوه، در روز قیامت چهره‌های گناهکاران تاریک است؛ حالت و چگونگی این حزن را به تاریکی توصیف کرده‌اند؛ مانند پاره‌های تاریک شب که تاریکی هر کجا را می‌گیرد، چهره آن‌ها را هم گرفته است. بررسی ترجمه‌ها نشان می‌دهد که همه مترجمان، جز مکارم و آن‌هم به صورت جزئی، استعاره موجود در آیه را فقط به صورت تحت‌اللفظی و بدون هیچ توضیح و افزوده‌ای ترجمه کرده‌اند و این در حالی است که مترجم در این استعاره به دلیل قرابت معنایی مشبه و مشبه‌به و روان‌ساختن ترجمه، لازم است دقت کافی را

داشته باشد.

بنابراین با توجه به معنای استعاری و کنایه‌ای که در این آیه وجود دارد و نیز با عنایت به مقوله «باهم آیی» و بافت کلام، از بین راهکارهای نیومارک، ترجمه استعاره به معنای آن، انتخاب شده است. در این روش، تنها پیام نهایی استعاره بیان می‌شود، اگرچه برای نداشتن ابهام، لازم است در این ترجمه از افزوده تفسیری نیز استفاده شود. با این تفصیل ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند، کیفر هر بدی مانند همان بدی است و خواری آنان را فرامی‌گیرد، برای آنان از [خشم و عذاب] خدا هیچ حافظ و نگهدارنده‌ای نخواهد بود؛ گویی [از شدت حزن و اندوه] هاله‌ای از تاریکی شب صورت آن‌ها را فرا گرفته است، آنان اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند.

#### ۴-۵- آیه ۱۰۶ سوره هود

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ سَفُّوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ﴾

در این آیه شریفه، از طریق استعاره مکنیه، صدای دوزخیان به صدای الاغ تشبیه شده و برای تصحیح ترجمه‌ها لازم است که استعاره موردنظر از لحاظ لغوی و تفسیری بررسی شود: «زَفِير، یعنی رفت و آمد نفس به طوری که دنده‌ها بالا و پایین بیاید.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۸۰) «الشَّهِيق، یعنی برگرداندن و پیرون دادن نفس عمیق و طولانی و زفیر، یعنی نفس عمیق کشیدن.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۸)

در مجمع البیان آمده: «زفیر، به معنای ابتدای عرعر خران و شهیق، به معنای آخر آن است»، در کشاف آمده: «زفیر، به معنای کشیدن نفس و شهیق، به معنای برگرداندن آن است» و راغب نیز در مفردات گفته است: «زفیر، به معنای نفس کشیدن پی در پی است، به نحوی که قفسه سینه بالا بیاید و شهیق، هم به معنای طول زفیر و هم به معنای برگرداندن نفس است؛ همچنان که «زفیر» به معنای فرو بردن نفس نیز است و در قرآن در آیه ﴿لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ﴾ و در آیه ﴿سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَزَفِيرًا﴾ و آیه ﴿سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا﴾ آمده و اصل آن از «جبل شاهق» است که به معنای کوه طولانی و بلند است.»

این چند معنا نزدیک به هم است که در این آیه برای استعاره به کار رفته و منظور این است که اهل جهنم، نفس‌های خود را به سینه‌ها فروبرده، با بلند کردن صدا به گریه و ناله آن را برمی‌گردانند، همان‌طور که خران صدا بلند می‌کنند و ناله اهل جهنم از شدت حرارت آتش و عظمت مصیبت و گرفتاری است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱/۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۲۹۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۴۳۰)

در ترجمه این آیه آورده‌اند:

مکارم: «اما آن‌ها که بدبخت شدند، در آتش‌اند؛ و برای آنان در آنجا، «زفیر» و «شهیق» [ناله‌های طولانی دم و بازدم] است.»  
 فولادوند: «...فریاد و ناله‌ای دارند.»  
 انصاریان: «...ناله‌های حسرت‌بار و عریبه و فریاد است.»  
 گرمارودی: «...آنان را در آن داد و فریادی است.»

در بررسی چهار ترجمه بالا، شاهد ترجمه‌هایی تقریباً متفاوت هستیم که بر اساس الگوی نیومارک، استعاره موجود در آیه در حد ابتدایی، ترجمه شده است. در مجموع، ترجمه‌ها نشان می‌دهد که مترجمان غیر از معنای ظاهری «ناله و فریاد» در قالب پرناتز یا افزوده تفسیری، به معنا یا تعبیر دیگری اذعان ندارند. این در حالی است که منابع ذیل آیه حاکی از آن است که معنای ظاهری (زفیر و شهیق: ناله و فریاد) نمی‌تواند دقیق باشد. با نگاهی عمیق به تعبیرهای مفسران به این استعاره‌ها درمی‌یابیم که تعبیر «زفیر و شهیق» حتماً در ورای خود معنای قوی‌تری دارد و آن اشاره به شدت عذاب و حالات ناگوار دوزخیان است؛ چراکه اگر می‌خواست از داد و فریاد دوزخیان خبر دهد، قول «ففی النار» کفایت می‌کرد؛ اما در این آیه تشبیه قابل تأملی به کار رفته که ترجمه‌ای دقیق می‌طلبد.

با دقت در ترجمه‌ها درمی‌یابیم که مکارم با تکرار استعاره و اشاره به معنای آن در قالب ترجمه، تا حدودی به یکی از اصول نیومارک (ترجمه‌ناپذیر بودن برخی استعارات) اشاره کرده است. فولادوند و گرمارودی با ترجمه‌ای ساده یکی دیگر از اصول نیومارک (معنای استعاره) را یادآوری کرده‌اند. در این میان، انصاریان بهتر از دیگران به استعاره موردنظر

پرداخته است؛ بنابراین با توجه به مستندات بالا و تحلیل آن‌ها، ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:  
 اما تیره‌بختان [که خود سبب تیره‌بختی خود بوده‌اند] در آتش‌اند و برای آنان در آنجا  
 ناله‌های حسرت‌بار و عربده و فریاد است.

#### ۴-۶- آیه ۱۷ سوره ابراهیم

﴿يَنْجَرَعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ  
 غَلِيظٌ﴾

در این آیه شریفه می‌توان به سه مورد استعاره اشاره کرده و عملکرد مترجمان را درباره آن نقد کرد: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ: آمدن مرگ که مراد از آن اسباب و نشانه‌های مرگ است، نه خود مرگ؛ وَمِنْ وَرَائِهِ: شایسته است به «پیش رو» ترجمه شود که جز گرمارودی هیچ کدام از مترجمان درست ترجمه نکرده‌اند؛ عَذَابٌ غَلِيظٌ: بر طبق کتب تفسیر باید به «عذابی شدید و مداوم» ترجمه شود و در غیر این صورت، دقیق ترجمه نشده است.

حال به صورت مستند به اثبات این ادعاها می‌پردازیم. در کتاب زمخشری آمده: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ: گویی اسباب مرگ و نشانه‌های آن از هر جهت بر او آشکار شده است و این به خاطر دردهایی است که بدان دچار شده است. وَمِنْ وَرَائِهِ وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ: در پیش روی او. عَذَابٌ غَلِيظٌ: عذابی همیشگی، شدیدتر و قوی‌تر از قبل.» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۴۶/۲) در کتاب الجدول فی اعراب القرآن، ذیل این آیه آمده: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ: مجاز دارد؛ یعنی اسباب مرگ با سختی و انواع عذاب روی می‌آورد. در این تعبیر مجاز به تقدیر مضاف معنای مذکور توجیه دارد؛ اما در تعبیر «عَذَابٌ غَلِيظٌ» استعاره با مضمون کنایه وجود دارد که وصف عذاب به غلظت، کنایه از قوت و دوام عذاب دارد؛ چرا که لازمه غلظت، قوتی است که مداوم باشد و در همه زمان‌ها جریان داشته باشد.» (صافی، ۱۴۱۸: ۱۷۲/۱۳)

حال با دقت در نظر مفسران و بررسی آن‌ها، ترجمه‌ها را موردسنجش قرار می‌دهیم:  
 مکارم: «به زحمت جرعه‌جرعه آن را سر می‌کشد؛ و هرگز حاضر نیست به میل خود آن را بیاشامد؛ و مرگ از هر جا به سراغ او می‌آید؛ ولی با این همه نمی‌میرد! و به دنبال آن، عذاب شدیدی است!»

فولادوند: «آن را جرعه جرعه می نوشد... و مرگ از هر جانبی به سویش می آید؛ ولی نمی میرد و عذابی سنگین به دنبال دارد.»

انصاریان: «آن را [به سختی و مشقت] جرعه جرعه می نوشد... و مرگ از هر طرف به او رو می کند؛ ولی مردنی نیست و عذابی سخت و انبوه به دنبال اوست.»

گرمارودی: «آن را جرعه جرعه می نوشد... و مرگ از هر سو بدو روی می آورد؛ اما او مردنی نیست و عذابی بسیار سخت پیش روی اوست.»

در بررسی این چهار ترجمه، شاهد ترجمه‌هایی تقریباً یکسان در موارد اول و دوم هستیم؛ بنابراین با توجه به معنای استعاری و کنایه‌ای که در این آیه وجود دارد و نیز با عنایت به مقوله باهم آیی و بافت کلام، از بین راهکارهای نیومارک، مترجمان از راهکار اول (ترجمه تحت‌اللفظی) تبعیت کرده‌اند؛ که بر اساس نظر مفسران و با دقت در سبک آیه، ترجمه استعاره‌های بالا ناقص است و باید در ترجمه پیشنهادی اصلاح شود؛ اما در استعاره آخر، «عَذَابٌ غَلِيظٌ»، هر کدام از مترجمان به قسمتی از ترجمه آن اشاره کرده‌اند. در این میان انصاریان از بقیه به ترجمه دقیق، نزدیک‌تر است؛ زیرا تعبیر «عذابی سخت و انبوه» تا حد زیادی جایگزین شدت و استمرار عذاب است که مقصود در آیه نیز همین است. در تکمیل نقد ترجمه بالا باید گفت که فعل «يَتَجَرَّعُهُ» که از باب «تفعل» است دلالت بر سختی و اجبار در نوشیدن دارد که فولادوند و گرمارودی بدون اشاره به این وجه از معنا، به سادگی آن را ترجمه کرده‌اند و دقت لازم را نداشته‌اند. حال با تصحیح ترجمه‌ها، ترجمه زیر پیشنهاد می‌شود:

آن را [به سختی و مشقت] جرعه جرعه می نوشد... و [اسباب و نشانه‌های] مرگ از هر طرف به او رو می کند؛ ولی مردنی نیست و عذابی سخت و مداوم پیش روی اوست.

#### ۴-۷- آیه ۲۹ سوره کهف

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِثُوا يَعْثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾

این آیه، هشدار است به کسانی که کفر را بر ایمان و باطل را بر حق ترجیح می‌دهند.

با دقت در آن درمی‌یابیم که در سه جا استعاره به کار رفته است: *سُرَادِقُهَا؛ يَغَاثُوا؛ مُرْتَفَقًا*؛ که قبل از تشریح، آن‌ها را از لحاظ لغوی بررسی می‌کنیم:

*السُّرَادِقُ*، یعنی خیمه بزرگ و سراپرده که فارسی و معرب است؛ هر چیزی که چیز دیگری را احاطه کند، مثل دیوار و خیمه را گویند و گفته شده آن چیزی است که روی خانه می‌گسترانند. خداوند آتش احاطه‌کننده مجرمین از هر طرف را به سرادق تشبیه کرده و نیز از جمله کاربردهای این است: «*سُرَادِقُ الْجَلالِ وَسُرَادِقُ الْعِظْمَةِ*»؛ که همه این‌ها استعاره است. (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۰۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۸۶/۵)

*المُهْلُ*، یعنی خلط و درد و بعضی هم گفته‌اند: به معنای مس مذاب، یا چرک و خونابه است. در الکشاف، آن را همان خلط و درد آورده که هرگاه آن را برای نوشیدن نزدیک می‌کنند، چهره گنهکاران برافروخته می‌شود. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۷۶/۵)

غوث، یعنی یاری و نصرت: «*غَاثُهُ غَوَاثًا؛ اَعَاثُهُ وَنَصْرُهُ*». *اِسْتَعَاثُهُ*، یعنی یاری‌خواستن که در آیه، یعنی «اگر یاری خواستند، یاری شوند با آبی مثل روغن جوشان». (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۱۲۷/۵)

المرفق، یعنی تکیه‌گاه که در معنای آیه، چنین است: ستمکاران را بدترین عذاب و بدترین جایگاه باشد. (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱۲۳/۵) در معنای کلمه «مرتفق» گفته شده، به معنای متکا است که از ماده «مرفق» گرفته شده و در اصل معنای «ارتفق»، این بوده که فلانی به مرفق خود تکیه زده است؛ کلمه «شوی» نیز به معنای پخته شدن است، می‌گویند: «شوی، یشوی شیاً». (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۰۴/۱۳)

در کتاب الجدول، ذیل این آیه دو نکته بلاغی نیز آمده است:

۱. در «*السُّرَادِقُ*»، استعاره تصریحی وجود دارد و آن، تشبیه آتشی که شعله‌های آن از هر طرف گناهکاران را فرا گرفته، به سرادقی است که آنان را پوشانده و احاطه در اینجا «ترشیح» است.

۲. در «*يَغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ*»، برای استهزای ستمکاران، «إِغَاثَةٌ» بالاترین نوع عذاب نامیده

شده، در حالی که «إِغَاثَةٌ» یعنی نجات از عذاب. این آیه از بهترین شواهد استعارهٔ تهکمی<sup>۱</sup> است که «إِغَاثَةٌ» را ضد خودش به عنوان استعاره به کار گرفته و علاوه بر آن، مشاکله<sup>۲</sup> نیز دارد. (صافی، ۱۴۱۸: ۱۷۸/۱۵)

علاوه بر مشاکله و تهکم در مثال بالا، در قسمت آخر این آیه (وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا) و در مقایسه با قسمت آخر آیه قبل (وَوَحْسُنَتْ مُرْتَفَقًا)، مجدداً از صنعت مشاکله استفاده شده که زیبایی ظاهری و معنوی خاصی ایجاد می کند. در اینجا از مشاکله استفاده شده با علم به اینکه آسایشگاه و جایگاه خوب برای عاقبت بد، معنا ندارد، بلکه این معنا برای افراد سعادت‌مند کاربرد دارد و این نشان از ظرافت و زیبایی معنوی این گونه آیات دارد. (صافی، ۱۴۱۸ق: ۱۸۲/۱۵)

حال به بررسی ترجمه‌ها می پردازیم:

مکارم: «بگو: این حقّ است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد، ایمان بیاورد [و این حقیقت را پذیرا شود] و هر کس می خواهد، کافر شود! ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سراپرده اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می آورند که همچون فلز گداخته صورت‌ها را بریان می کند! چه بد نوشیدنی و چه بد محل اجتماعی است!»

فولادوند: «...سراپرده‌هایش آنان را در بر می گیرد و اگر فریادرسی جویند، به آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می کند، یاری می شوند. وه! چه بد شرابی و چه زشت جایگاهی است.»

انصاریان: «...آتشی که سراپرده‌هایش بر آنان احاطه دارد؛ و اگر [از شدت تشنگی] استغاثه کنند، با آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می کند [به استغاثهٔ آنان] جواب گویند؛ بد آشامیدنی و بد جایگاهی است.»

۱. استفاده از کلام در ضد یا نقیض معنای ظاهری آن به قصد استهزاء.

۲. مشاکله در لغت به معنای هم شکل بودن و در اصطلاح علم بدیع، آن است که لفظی را با رعایت مجاورت و هم شکل بودن، با الفظی که در جمله ذکر شده هم شکل و یکسان کنند.

گرمارودی: «...آتشی که سراپرده‌هایش آنان را فرامی‌گیرد و اگر فریادرسی خواهند، با آبی چون گدازه فلز به فریادشان می‌رسند که [گرمای آن] چهره‌ها را بریان می‌کند؛ آن آشامیدنی بد است و زشت آسایشگاهی است [آن آتش].»

در بررسی چهار ترجمه بالا، شاهد ترجمه‌هایی تقریباً یکسان در استعاره اول هستیم که بر اساس الگوی نیومارک، استعاره موجود در آیه در حد تحت‌اللفظی ترجمه شده است. با دقت در کتب تفسیر، در این استعاره، راهکار ترجمه استعاره به تشبیه، دقیق‌تر است. در مورد استعاره دوم نیز، ترجمه مترجمان، قدری متفاوت است؛ مثلاً در ترجمه استعاره «اغاثه»، مکارم آن را تحت‌اللفظی ترجمه کرده، فولادوند و گرمارودی با اشاره به معنای تهکمی (فریادرسی با آبی گداخته)، آن را معنا کرده‌اند و انصاریان نیز با تکرار عین استعاره، سعی داشته‌اند از ترجمه تحت‌اللفظی فاصله بگیرند.

با دقت در توصیه‌های نیومارک در ترجمه استعاره، روشن می‌شود که در این گونه موارد مترجم برای دستیابی به ترجمه‌ای دقیق باید از افزوده‌های تفسیری استفاده کند، تا ابهامی برای مخاطب باقی نماند. در مورد استعاره سوم نیز فولادوند، انصاریان و مخصوصاً مکارم با ترجمه تحت‌اللفظی نتوانسته‌اند ترجمه دقیق و روانی ارائه دهند و با دقت در کتب لغت و با توجه به سبک آیه، درمی‌یابیم که گرمارودی توانسته ترجمه‌ای دقیق در این استعاره ارائه دهد. با دقت در نظر مفسران و بررسی آن‌ها، ترجمه زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

بگو: دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد؛ پس هر که می‌خواهد، ایمان آورد و هر که می‌خواهد، کافر شود؛ ما برای کافران ستمکار آتشی مهیا ساخته‌ایم که شعله‌های آن مانند خیمه‌های بزرگ، آن‌ها را در بر می‌گیرد و اگر [از شدت عطش] شربت آبی درخواست کنند [و فریادرسی جویند] به آبی مانند مس گداخته سوزان یاری می‌شوند که روی‌ها را بسوزاند و آن آب، بسیار بد شربتی و آن دوزخ، بسیار بد جایگاهی است.



در پایان، عملکرد مترجمان به صورت مبسوط، در جدول زیر ارائه شده است:

آیه	ارزیابی عملکرد مترجمان			
	گرمارودی	انصاریان	فولادوند	مکارم شیرازی
۱	تحت اللفظی	تحت اللفظی با افزوده تفسیری (دقیق تر)	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۲	تحت اللفظی با افزوده تفسیری	ترجمه استعاره به تشبیه (دقیق تر)	ترجمه استعاره به تشبیه (دقیق تر)	تحت اللفظی با افزوده تفسیری
۳	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۴	تحت اللفظی	تحت اللفظی با افزوده تفسیری (دقیق تر)	تحت اللفظی	تحت اللفظی با افزوده تفسیری (دقیق تر)
۵	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۶	تحت اللفظی (دقیق تر)	معنایی (دقیق تر)	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۷	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی با افزوده تفسیری (دقیق تر)
۸	معنایی	معنایی (دقیق تر)	معنایی	تحت اللفظی با افزوده تفسیری
۹	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی

تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ	۱۰
معنایی	معنایی (دقیق تر)	معنایی	معنایی	عَذَابٌ غَلِيظٌ	۱۱
تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا	۱۲
معنایی (دقیق تر)	معنایی	معنایی (دقیق تر)	تحت اللفظی	يَعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ	۱۳
معنایی (دقیق تر)	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی	وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا	۱۴
۱۴ استعاره ۵۶ برابر نهاد	جمع				



## نتیجه‌گیری

از تحلیل و بررسی ترجمه ۱۴ مورد از تصاویر استعاری صحنه‌های قیامت در نیمه نخست قرآن، این موارد حاصل شد:

اکثر مترجمان از شیوه ترجمه «تحت‌اللفظی» استفاده کرده‌اند که بیانگر رویکرد متن‌محوری ایشان است.

از بین هفت الگوی پیشنهادی نیومارک، چهار روش تحت‌اللفظی، ترجمه معنایی، ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری و ترجمه استعاره به تشبیه، در تحقق تعادل ترجمه‌ای و فهم مفاهیم استعاری صحنه‌های قیامت، به میزان زیادی کارآمد بوده است.

از بین روش‌های استفاده‌شده، مکارم از روش تحت‌اللفظی و تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری، فولادوند از روش تحت‌اللفظی و معنایی، انصاریان از روش تحت‌اللفظی، تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری و معنایی و گرمارودی نیز از روش معنایی و تحت‌اللفظی، بیشترین بهره را برده‌اند.

در تبیین و معرفی ترجمه دقیق، ترجمه مکارم شیرازی و فولادوند در اکثر موارد به یکدیگر شبیه (تحت‌اللفظی یا معنایی) است. ترجمه انصاریان و گرمارودی هرچند در مواردی تحت‌اللفظی است، اما این مترجمان به‌خوبی معنا را فهمیده و سعی کرده‌اند تا فراتر از آن (مانند روش ترجمه استعاره به تشبیه) ترجمه کنند. انصاریان و مکارم نیز بیشتر از دیگران از راهکار ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری و با هدف وضوح و روشنی استفاده کرده‌اند. علاوه بر این‌ها انصاریان با استفاده از چهار روش گفته‌شده و درک معنا در اغلب موارد، ترجمه‌ای دقیق انجام داده است. ایشان دقیق‌ترین مترجمی است که طبق این پژوهش، سعی در ارائه ترجمه‌ای معادل داشته است.

از جمله مهم‌ترین موانع ترجمه معادل در این موضوع، برداشت متفاوت مترجمان از معنای ضمنی فرآیند ترجمه است. در این گونه موارد، دقت در فهم معنای ضمنی و اتخاذ روشی یکسان که بتواند تعادل را حفظ کند و بار معنایی و عاطفی متن مبدأ را به زبان مقصد منتقل کند، ضرورت می‌یابد و بر ارزش ترجمه خواهد افزود.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

۱. ابودیب، کمال، ۱۳۸۴، صور خیال در نظریه جرجانی، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: مؤسسه فرهنگی گسترش هنر.
۲. امانی، رضا و یسرا شادمان، ۱۳۹۱، «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرآیند ترجمه»، مطالعات قرآن و حدیث، س ۵، ش ۲، ص ۱۳۹.
۳. انصاریان، حسین، ۱۳۷۳، ترجمه قرآن، قم: اسوه.
۴. بوتشاشه، جمال، ۱۳۷۳، «نماذج من الاستعارة في القرآن وترجمتها باللغة الإنجليزية»، مذكرة لنيل شهادة الماجستير في الترجمة، جامعة الجزائر.
۵. الجرجانی، عبدالقاهر، ۱۹۸۴، دلائل الإعجاز، تحقیق محمود محمد شاکر، القاهرة: مكتبة الخانجي.
۶. حدادی، محمود، ۱۳۸۴، مبانی ترجمه، تهران: رهنما.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه.
۸. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ط ۳، بیروت: دارالکتاب العربی.
۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۲۱ق، الإنقان فی علوم القرآن، ط ۲، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۰. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
۱۱. الشریف الرضی، محمد بن الحسین، ۱۴۰۶ق، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، تحقیق محمد عبدالغنی، لبنان: دارالأضواء.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۳، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگه.
۱۳. صابونی، محمدعلی، ۱۴۲۱ق، صفوة التفاسیر، بیروت: دارالفکر.
۱۴. صافی، محمود، ۱۴۱۸ق، الجدول فی إعراب القرآن وصرفه وبیانه مع فوائد نحویة هامة، ط ۴، دمشق: دارالرشید.

۱۵. صفوی، کورش، ۱۳۸۸، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران: مرکز.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۲ق، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۲۰. فاضلی، محمد، ۱۳۷۶، دراسة ونقد فی مسائل بلاغیة هامة، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۱. فرحزاد، فرزانه، ۱۳۸۷، ترجمه پیشرفته، چ ۲، تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۲. فولادوند، محمد مهدی، ۱۴۱۸ق، ترجمه قرآن، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۳. قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، چ ۶، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۴. گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ق، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ط ۲، بیروت: موسسه العلمیه.
۲۵. لطفی پورساعدی، کاظم، ۱۳۷۱، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: دانشگاهی.
۲۶. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، التفسیر الکاشف، قم: بی نا.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۸. موسوی گرمارودی، علی، ۱۳۸۴، ترجمه قرآن، تهران: قدیانی.
۲۹. الهاشمی بک، احمد، ۱۳۷۳، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع، بی جا: مکتبة المصطفوی.

30. Mason, Kirsten, 1982, "Metaphor and Translation", *Babel*, 28.

31. Newmark, P, 1988, *A textbook of Translation*, Oxford: Pergamon Press.